

تبیین جرم‌شناسی اجتماعی نزاع و درگیری (مورد مطالعه: شهر ملارد)

مراد عباسی^۱، حبیب احمدی^۲، عبدالطیف کاروانی^۳

از صفحه ۱۷۳ تا ۱۹۸

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۱

چکیده

پدیده نزاع و درگیری در جامعه از جمله جرایمی است که با ایجاد اخلال در نظم و روابط اجتماعی، فضایی آکنده از کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که با زمینه‌سازی برای ایجاد تنش‌های بعدی، جامعه و افراد جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. نزاع در هر جامعه‌ای تحت تأثیر عوامل متعددی است که تحقیق حاضر در همین راستا یعنی با هدف تبیین جرم‌شناسی اجتماعی نزاع و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۹۵ انجام شده است. فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از اینکه عوامل اجتماعی بر میزان نزاع و درگیری تأثیر معناداری دارند. تحقیق با استفاده از روش پیمایشی و با بهره‌گیری از تکنیک پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری افراد بالای ۱۵ سال شهر ملارد و حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۸۶ نفر تعیین گردید. برای اطمینان بیشتر پرسشنامه‌ها بین ۴۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای توزیع شد. روایی و اعتبار به کمک آلفای کرونباخ و اعتبار صوری حاصل گردید. یافته‌های تحقیق با استفاده از نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای آنومی اجتماعی، انزوای اجتماعی، محرومیت نسبی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و جنسیت رابطه معناداری با نزاع بین فردی دارند. هم‌چنین نتایج آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که ۲۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تحقیق حاضر تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: جرم‌شناسی اجتماعی، نزاع بین فردی، آنومی اجتماعی، کنترل اجتماعی، انزوای

اجتماعی، محرومیت نسبی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز و نویسنده مسئول. abasi.mn@gmail.com

۲. استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز. hahmadi@rose.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی دانشگاه شیراز. abdollahifkarevani@yahoo.com

مقدمه و طرح مسأله

پدیده نزاع و درگیری بین فردی در ایران به عنوان یک مسأله اجتماعی در کارکردها و وظایف نظام‌ها و خرده نظام‌های اجتماعی نظیر نظام عدالت کیفری و روابط خویشاوندی اخلاص ایجاد نموده است. افزون بر این، پدیده مذکور جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد و این نوع خشونت از جمله مسائلی است که در فرهنگ بعضی از ایرانیان، شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی، فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود. نزاع به طور اعم و صورت جمعی آن به طور اخص در هر جامعه‌ای همیشه به عنوان یکی از مسائل اجتماعی مطرح بوده است و در صورتی که عمومیت پیدا نموده و موجبات جریحه دار شدن افکار عمومی می‌شود.

پدیده نزاع و درگیری در جامعه از آن دسته از آسیب‌هایی است که با ایجاد اخلاص در نظم و روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر با زمینه سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد و مواجهه با آن همواره مورد توجه متولیان نظم و امنیت اجتماعی بوده است (پورافکاری، ۱۳۸۳: ۳).

نزاع و درگیری به عنوان یک پدیده و آسیب اجتماعی، عمدتاً ناظر به جرم عمدی منجر به ضرب و شتم میان حداقل دو نفر می‌باشد و تعریف اصطلاحی آن عبارت است از کنش دو یا چند نفر که به قصد آسیب رساندن به انسان دیگری صورت می‌گیرد. این آسیب ممکن است جسمی یا روحی، فردی یا جمعی و جانی یا مالی باشد (خراط‌ها، ۱۳۸۵: ۱۰؛ هاشمی، ۱۳۸۷: ۳۱). قانون‌گذار ایران در ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ علاوه بر جرم انگاری نزاع و درگیری، میزان مجازات مجرمین را بر حسب نتایج حاصل از نزاع و درگیری، تشدید نموده است. بر طبق ماده مذکور، هرگاه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند هر یک از شرکت کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شوند:

- ۱- در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود به حبس از یک تا سه سال.
- ۲- در صورتی که منتهی به نقص عضو شود به حبس از شش ماه تا سه سال.
- ۳- در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا یک سال.



تبصره ۱- در صورتی که اقدام شخص، دفاع مشروع تشخیص داده شود، مشمول این ماده نخواهد بود.

تبصره ۲- مجازات‌های فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد.

از نظر کنش‌گرانی که درگیر در واقعه هستند، نزاع شامل دو حالت فردی یا گروهی است. در حالت اول در هر طرف نزاع یک فرد قرار دارد؛ به عبارت دیگر، درگیری یک فرد با دیگری به یک منازعه منجر می‌گردد، اما حالت دوم خود به دو نوع تقسیم می‌گردد که در نوع اول یک فرد با گروه و در نوع دوم یک گروه با گروه دیگر درگیر می‌شوند. به حالت اول نزاع فردی و حالت دوم (هم نوع اول و هم نوع دوم) نزاع گروهی یا جمعی گفته می‌شود. البته بسیاری از نزاع‌های گروهی، محصول گسترش نزاع فردی میان دو نفرند که با حضور و شرکت دیگران تبدیل به منازعه گروهی می‌شود (میرفردی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۰).

نزاع بر مبنای هدف بر دو دسته بازتابی و ابزار تقسیم می‌شود. هدف از نزاع بازتابی صرفاً تخلیه احساسی و ایراد آسیب است. معمولاً چنین نزاع‌هایی بدون برنامه‌ریزی قبلی و بر اثر تحریک آنی رخ می‌دهند و لذا می‌توان آن را جزء کنش‌های عاطفی دسته‌بندی کرد. اما هدف از نزاع ابزاری، ایراد آسیب برای دستیابی به اهدافی دیگر نظیر پاداش مادی، پیروزی در رقابت، قدرت‌نمایی و تنبیه طرف مقابل و یا تحسین منازعه‌کنندگان از سوی دیگران است. از نظر «لئوناردو»^۱، اساساً یک یا دو طرف درگیر در این نوع از نزاع آن را نوعی انجام وظیفه برای خود به شمار می‌آورند (جاوید، ۱۳۹۰: ۱۲).

به طور کلی، نزاع تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله آنومی اجتماعی، شهرنشینی بی‌رویه، فقدان اعتماد اجتماعی و ... ایجاد می‌شود و هم‌چنین پیامدهای مختلفی از جمله مسائل اقتصادی، آسیب‌های روانی، مسائل خانوادگی و تحول کارکرد آن، عدم کنترل و نظارت اجتماعی، کاهش اعتماد تعمیم یافته، تضعیف مشارکت اجتماعی را به دنبال دارد.

نزاع و درگیری در شهر ملارد از جمله جرائمی است که درصد بسیاری از

آمار جرائم را در این شهر به خود اختصاص داده و نگرانی وافری را برای دستگاه عدالت کیفری به وجود آورده است. نزاع و درگیری خیابانی در این شهر باعث بی‌نظمی اجتماعی، ترس، ناامنی و ... در این شهر شده است و نگاه دست‌اندرکاران را به خود جلب نموده است. لذا با امعان نظر به اهمیت و ضرورت این موضوع، تحقیق حاضر در راستای بررسی علل و عوامل جرم‌شناختی و تأثیر آن بر وقوع جرم نزاع و درگیری با رویکرد اجتماعی در شهر ملارد صورت گرفته است.

پیشینه تحقیق

در این بخش ابتدا به پیشینه تحقیقات صورت گرفته در کشور ایران (داخلی) و سپس سایر کشورهای دنیا (خارجی) خواهیم پرداخت.

الف- پیشینه داخلی

مسعودی و همکاران (۱۳۹۳)، پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر حاشیه‌نشینی بر وقوع جرائم نزاع و درگیری (مطالعه موردی شهرستان قم)» انجام دادند. بر اساس نتایج تحقیق حاضر می‌توان بیان داشت که نزاع یک پدیده چند بعدی است که عوامل متعددی در شکل‌گیری آن از جمله؛ مسائل و مشکلات فردی، روانی و عاطفی و هم مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی، تأثیر دارند. تعیین این که کدام عامل تأثیرگذارتر است، موضوع پیچیده‌ای است که بسته به شرایط متفاوت است. نتایج تحقیق بیانگر این است که تلفیقی از همه عوامل بررسی شده فوق در این امر دخیل می‌باشند که برای کاهش و پیشگیری از نزاع باید در راستای کنترل و رفع این عوامل برنامه‌ریزی نمود.

میرفردی و همکاران (۱۳۹۰) با بررسی «میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن»، نشان داده‌اند که متغیر اعتماد اجتماعی، تأثیری بر گرایش به نزاع جمعی نداشته است، اما خویشاوندگرایی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سن، تأثیر معناداری بر گرایش به نزاع جمعی داشته است.

جاوید (۱۳۹۰) در تحقیقی که با عنوان «بررسی علل و عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری در استان گلستان» انجام داد به این نتیجه رسید که بین اعتماد اجتماعی، پرخاش‌گری، قومیت‌گرایی و میزان درآمد، با نزاع و درگیری رابطه

معناداری وجود دارد. هم‌چنین نتایج این تحقیق حاکی است که تقریباً ۶۰ درصد از منازعان از چاقو، ۳ درصد کارد موکت‌بری، ۱ نفر از ساطور، ۵ نفر از آهن و زنجیر، استفاده کرده‌اند. ۶۵ درصد از منازعات در طول روز و مابقی در شب انجام گرفته‌اند. بیشترین افراد زندانی علت درگیری خود را مسائل ناموسی و خانوادگی عنوان کرده‌اند.

کلواری و بحرینی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «مطالعه رابطه عوامل فرهنگی- اجتماعی با نزاع‌های دسته‌جمعی»، دریافتند که متغیرهای پرخاش‌گری، قوم‌گرایی، بی‌هنجاری و محرومیت نسبی دارای رابطه معناداری مثبت و متغیرهای کنترل اجتماعی، انسجام اجتماعی، پایگاه اجتماعی اقتصادی، سن، جنسیت و تحصیلات دارای رابطه معنادار معکوس و متغیرهای تأهل و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی فاقد رابطه معنادار با گرایش به نزاع‌های جمعی، بوده‌اند، و گرایش به نزاع در بین مردان و زنان متفاوت بوده، و مردان گرایش بیشتری به نزاع جمعی داشته‌اند.

نایی و جسورخواجه (۱۳۸۸) نیز طی پژوهشی در خصوص «ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی در روستاهای کویچ و افشرد آذربایجان شرقی»، که از منظر جامعه‌شناختی و نقش نیروهای اجتماعی، این پدیده را مورد بررسی قرار داده‌اند، به این نتیجه مهم دست یافتند که در جایی که گروه‌های متمایز اجتماعی وجود دارد، مبارزه برای کسب قدرت و منابع کمیاب (آب و زمین) نقش تعیین‌کننده دارند، و در آنجا که مبتنی بر نظام خویشاوندی نسبتاً یکپارچه است و گروه‌بندی‌های متمایز اجتماعی شکل نگرفته است، نزاع دسته‌جمعی به وقوع نمی‌پیوندد.

خیال‌پرستان (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری‌های محلی در میان روستائینان شهرستان دنا در فاصله سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۷»، به این نتیجه رسیده است که کنترل اجتماعی یا نهادی، تعصبات سیاسی- انتخاباتی، چند همسری (تعدد زوجات)، ناکامی به ثمر نرسیدن ازدواج‌های تحمیلی، بیکاری و فقر فرهنگی در وقوع نزاع‌های جمعی تأثیرگذار بوده‌اند. ضیاء‌هاشمی (۱۳۸۷) تحقیقی با عنوان «بررسی ابعاد فرهنگی و اجتماعی نزاع در جامعه» انجام داده است. به این نتیجه رسید که تغییرات سریع جمعیتی، فرهنگی یا فناورانه موجب تغییر در روابط و بی‌سازمانی اجتماعی می‌گردد. در این شرایط

تبادل نسبی بین اجزای نظام اجتماعی از بین می‌رود و مقررات و ضوابط اجتماعی موجود کارکردهای خود را از دست می‌دهد و زمینه بروز ناهنجاری در جامعه فراهم می‌گردد. هم‌چنین در شرایطی که به دلیل اختلال در روابط اجتماعی و آشفتگی‌های محیطی، فرایند جامعه‌پذیری ناکارآمد می‌گردد و الگوهای انحرافی در جریان انحرافات متقابل به ویژه میان جوانان و نوجوانان شیوع و تسری پیدا کند، جامعه دچار شرایط آنومیک می‌گردد. در این شرایط فرصت‌های یادگیری ارزش‌های اجتماعی و هم‌نوایی با هنجارها محدود می‌شود.

نظری (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر مسأله نزاع جمعی (مطالعه موردی استان ایلام)» به این نتیجه رسیده است که متغیرهای پرخاش‌گری، قوم‌گرایی و تجربه عینی نزاع تأثیر معنی‌دار و مثبتی بر میزان نزاع دارند و کنترل اجتماعی و تحصیلات نیز تأثیر معنی‌دار و منفی بر روی میزان گرایش به نزاع داشته‌اند.

منتظر قائم و کریمی (۱۳۸۶) در پژوهشی که با عنوان «بررسی ضرب و جرح در ایران» انجام دادند به این نتیجه رسیدند که عوامل سن، شغل، محل تولد و محل سکونت از جمله متغیرهایی هستند که حائز اهمیت هستند و با هم اثر افزایشی دارند. بررسی نتیجه رابطه بین ضارب و مضروب در این تحقیقات نشان می‌دهد که اولاً، بیشتر ضرب و جرح‌های خانوادگی در زمینه روابط سببی صورت می‌گیرد. ثانیاً، در بین روابط سببی زن و شوهران بیشترین درصد را دارا می‌باشند. یافته علت ضرب و جرح نشان می‌دهد که دخالت، عوامل مالی، عوامل روانی- رفتاری، بی‌علاقگی و ... از جمله مهم‌ترین عوامل هستند.

نظری و امینی فسخودی (۱۳۸۵) تحقیقی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی در مناطق روستایی استان ایلام» انجام دادند که این پژوهش با هدف شناخت و تبیین عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر میزان گرایش به نزاع جمعی، به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی استان ایلام، در مناطق روستایی سه شهرستان اجرا گردیده است. نتایج تحقیق حاکی از تأثیر معنی‌دار میزان تحصیلات بر روی میزان گرایش به نزاع می‌باشد. هم‌چنین هیچ‌گونه تفاوت معنی‌داری بین دو گروه زنان و مردان و افراد متأهل و مجرد در مورد هیچ‌کدام یک از دو متغیر گرایش به نزاع (به عنوان متغیر وابسته) و

پرخاش‌گری (به عنوان تأثیر گذارترین متغیر مستقل) در جوامع روستایی استان وجود ندارد، هم‌چنین میزان گرایش به نزاع و پرخاش‌گری در بین طوایف مختلف و مناطق روستایی شهرستان‌ها مورد مطالعه تقریباً یکسان می‌باشد.

ب) پیشینه خارجی

لی فرانس^۱ و همکاران (۲۰۰۷) پژوهشی تحت عنوان «خشونت‌های بین فردی در سه کشور کارائیب: باربادوس، جامائیکا و ترینیداد و توباگو» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که قربانیان خشونت جنسی بیشتر از جنس مؤنث بودند که بیشترین میزان را در جامائیکا داشت. به نظر این پژوهش‌گران سطوح بسیار بالای خشونت بین فردی گزارش شده نشان‌گر سطح بسیار بالای تحمل میان قربانیان و فرهنگ خشونت می‌باشد.

اسپیج^۲ (۲۰۰۶) از دانشگاه آمستردام هلند با استفاده از تحقیقات بومی و منطقه‌ای در کنار استفاده از نظریات عام و جهان‌شمول در تبیین پدیده خشونت و ستیزه‌جویی به بررسی این معضل اجتماعی پرداخته است. وی در یکی از مهم‌ترین تحقیقات خود با عنوان «جنبه‌هایی از خشونت اوپاش‌گری و رفتارهای خشن» به این نتیجه رسید که ۶ عامل اصلی در به وجود آمدن آن نقش اساسی دارند که شامل:

۱. هیجان‌زدگی
۲. ایجاد هویت مردانه خشن
۳. هویت‌یابی منطقه‌ای و محلی
۴. مدیریت فردی و کسب شهرت
۵. احساس همبستگی و تعلق
۶. قدرت و خود مختاری، می‌باشد.

بنتا^۳ و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهش خود تحت عنوان «نقش جنسیت در ایجاد رفتارهای مجرمانه» به بررسی نقش تفاوت‌های جنسیتی در جرم و خشونت پرداختند، نتایج بررسی و مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد که تفاوت‌های جنسیتی در توسعه درک اجتماعی، ممکن است به توضیح تفاوت‌های جنسیتی در جرم

1. Le Franc
2. Spaij
3. Bennetta

و خشونت کمک کند. هم چنین یکی از دلایلی که دختران میزان تخلف کمتر دارند، این مسئله می باشد که آن ها مهارت های ادراکی اجتماعی را در زندگی، زودتر از پسران فراگرفته و به کار می بندند.

رنگام و ویلسون^۱ (۲۰۰۴) طی تحقیقات خود نتایج مطالعات خود را چنین بیان می کنند که در درگیری های دسته جمعی، منافع شخصی یا گروهی برای منزلت، جایگاه، و اعتبار اجتماعی، دفاع از همبستگی و انسجام و اتحاد گروهی و قومی - قبیله ای، فشارهای اقتصادی و شخصی، ساختار خانوادگی، سطح و میزان فقر و تهیدستی از جمله عوامل دخیل به شمار می آیند و اغلب مردان حضور چشم گیرتری در این نزاع ها دارند.

نسبیت^۲ (۱۹۹۰) در مطالعه «نزاع و خشونت در باره رفتار ساکنین تروک و هائیتی» که در زیست بوم متفاوتی جهت دسترسی به دریای آزاد برای ماهیگیری قرار گرفته اند؛ به این نتیجه رسید که منابع کمیاب از جمله؛ فرصت ماهیگیری از دریا منجر به فرهنگ جنگجویی و نزاع بین دو گروه می شود (تری یانديس^۳، ۱۳۸۸: ۳۲۷).

مبانی نظری

نظریه های کنترل فرض را بر این قرار می دهند که رفتار افراد، رفتاری ضداجتماعی خواهد بود، مگر اینکه دیگران آن ها را در جهت ترک آن هدایت کنند. افزون بر این، در تبیین کنترل ادعا می شود که برخی افراد، هیچ گاه با دیگران، پیوندی برقرار نمی سازند و از این رو، هیچ گاه کنترل های لازم را برای مهار رفتارهای ضداجتماعی، در خود درونی نمی کنند. لذا پرسش اصلی که در این دیدگاه مطرح می شود این است که؛ «چرا مردم هم نوایی می کنند؟» (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۳: ۹۸).

نظریه کنترل، انحراف را نتیجه نارسایی کنترل اجتماعی می داند. این نظریه با این پرسش آغاز می کند که چرا در ابتدا مردم هم نوا می شوند؟ طرفداران این نظریه چنین پیشنهاد می کنند که باید به انحراف و نه هم نوایی توجه داشت زیرا زندگی روی هم رفته پر از وسوسه و فریب است و برخی از اعمال انحرافی

1. Wrangham and Wilson

2. Nesbit

3. Terry Yandis

کاملاً سودمندند. مردم فقط به این دلیل هم نوایی می کنند که جامعه قادر است رفتار آنان را کنترل نماید و اگر چنین کنترلی نبود، ممکن بود هم نوایی کمی وجود داشته باشد (رابرتسون^۱، ۱۳۸۹: ۱۷۵). فرض اصلی این نظریه این است که هم چنان که «فروید» گفته افراد به طور طبیعی تمایل به کج رفتاری دارند و اگر تحت کنترل قرار نگیرند، چنین می کنند و کج رفتاری افراد بیش از آن که ناشی از نیروهای محرک به سوی نابهنجاری باشد محصول عدم ممانعت است (فیضی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۷). نظرات هیرشی، نای، توبی و ماتزا در این دسته قرار می گیرد. هیرشی معتقد است پیوند میان فرد و جامعه مهم ترین علت هم نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن موجبات اصلی کج روی را فراهم می کند. ضعف تعلق خاطر نسبت به افراد و نهادهای جامعه، فقدان پایبندی و تعهد به موقعیت هایی که کسب کرده اند تا حسن شهرت و منزلت اجتماعی آن ها را تضمین نماید پایین بودن سطح درگیری فرد در فعالیت های روزمره و ضعف باور افراد به اعتبار اخلاقی و نظام هنجاری و قانونی جامعه از جمله موقعیت هایی هستند که فرد را برای انحرافات اجتماعی آماده می سازد (گروسی و محمدی، ۱۳۹۰: ۶۱). و در این خصوص چهار عنصر را به عنوان عناصر پیونددهنده افراد به یکدیگر و جامعه و به تعبیر دیگر، چهار متغیر کنترل کننده رفتار، معرفی می کند:

الف- دلبستگی^۲: این عنصر بیانگر وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی است.

ب- تعهد^۳: تعهد بیانگر میزان پذیرش هدف های مرسوم جامعه و میزان مسئولیتی است که فرد نسبت به جامعه در خود احساس می کند.

پ- مشارکت^۴: این عنصر بیانگر میزان درگیری و مشارکت در نقش ها و فعالیت های اجتماعی است.

د- باور^۵: عنصر باور، بیانگر میزان اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و

1. Robertson
2. Attachment
3. Commitment
4. Involvement
5. Belief

اجتماعی، باور او نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه و وفاداری وی نسبت به آن‌ها است (رایتسمن ۱، ۱۹۹۸: ۱۱۸).

بنابراین، نظریه کنترل بیشتر بر کنترل‌های درونی و بیرونی توسط خانواده، جامعه، مدرسه، گروه‌های همسالان تاکید می‌کند و براساس این نظریه می‌توان گفت که جوانان و نوجوانانی که کمتر کنترل می‌شوند، بیشتر مستعد نزاع و درگیری هستند. البته کنترل رسمی از سوی نظام عدالت کیفری و پلیس و پیش‌گیری مستقیم و غیرمستقیم از ارتکاب جرم در این زمینه انکارناپذیر است. کوهن^۲ در کتاب «پسران بزه‌کار: فرهنگ دار و دسته نوجوانان بزه‌کار»، الگویی را ارائه می‌دهد که شالوده‌اش را مفهوم ساختی فشار می‌داند. در این الگو، او کج‌روی را به پایگاه اجتماعی و تفاوت طبقات اجتماعی نسبت می‌دهد و منشاء آن را در دسترس‌ناپذیر بودن اهداف موردقبول جامعه می‌جوید و در نهایت آن را اعتراضی ناشی از نومی‌دی و حرمان طبقات محروم می‌خواند که در عمل به شکل ویرانگری و انکار جلوه‌گر می‌شود. کوهن در این خصوص تأکید می‌کند که نوجوانان و جوانان طبقات فرودست، با توسل به جرم‌های ویرانگر، در واقع در برابر اهداف طبقه متوسط واکنش نشان می‌دهند و از این طریق آن اهداف را انکار می‌کنند. به گفته او، این امر بدان سبب است که این جوانان، به ویژه در مدارس و محیط‌های شغلی، مستمر با معیارهای سنجش طبقه متوسط ارزیابی می‌شوند؛ زیرا غالب این محیط‌ها تحت کنترل افرادی از طبقه متوسط است که همواره بر پذیرفته بودن معیارهای طبقاتی خویش اصرار ورزیده و توان اعمال آن معیارها را ندارند. این وضعیت در حالی اتفاق می‌افتد که این نوجوانان، از قبل به شیوه موردنیاز برای پیشرفت و موفقیت در نظام ارزشی و هنجاری موجود، جامعه پذیر نشده‌اند و در عوض، در محیطی پرورش یافته‌اند که عناصری از جمله؛ ارضای نفس فوری و پرخاش‌گری جسمی را ارزشمند می‌دانند (سلیمی، ۱۳۸۶: ۳۳۵).

نظریه هم‌نشینی و تقویت افتراقی هم از جمله نظریه‌هایی است که در مورد نزاع و درگیری کاربرد دارد. در این الگو، فرآیند یادگیری بیشتر بر مفهوم یادگیری عامل اتکاء دارد و برخلاف الگوی هم‌نشینی افتراقی که بر یادگیری

1. Wrightsman

2. Cohen

رفتار کج روانه از طریق فرآیند کنش متقابل اجتماعی و یادگیری تعاریف موافق با رفتار کج روانه تأکید دارد، این دیدگاه یادگیری رفتارهای کج روانه را عمدتاً از طریق فرآیند تقویت و مکانیسم‌های اساسی آن، یعنی تشویق و تنبیه، مورد توجه قرار می‌دهد. این الگو، پیش از هر چیز، که شخص زمانی رفتار کردن را برمی‌گزیند که برای انجام چنین رفتاری در گذشته و شرایط مشابه، مورد تشویق قرار گرفته و یا تنبیه نشده باشد، یا اینکه احتمال شکل‌گیری چنین واکنش‌هایی در آینده، آن را رفتاری مطلوب جلوه داده باشد (همو، ۱۲۰). این رویکرد را ادوین ساترلند^۱ برای نخستین بار در سال ۱۹۳۹ مطرح ساخت. ساترلند مدعی است که افراد مستعد کج روی، در هم‌نشینی‌های خود با افراد جامعه، تعریف‌هایی را فرامی‌گیرند که گاه موافق و گاه مخالف با رفتارهای کج روانه است. به نظر او، اگر تعریف‌هایی که کنش‌های بزه‌کارانه را قابل قبول می‌نمایاند، با پشتوانه‌ای قوی‌تر از تعریف‌هایی مخالف با رفتار کج روانه به فرد القاء شود و فرد در دفعات بیشتری با این تعاریف مواجه گردد، احتمال اینکه مرتکب کج روی شود بیشتر است. او تأکید می‌کند، که تحقق این وضعیت مستلزم هم‌نشینی مستقیم فرد با کج روان و بزه‌کاران نیست؛ بلکه حتی ممکن است کودک تعریف‌های مؤید کج روی را با مشاهده اینکه پدرش در آمد خود را از راه‌های نادرست تأمین می‌کند، یا با شنیدن سخنان مادرش که با افتخار از رانندگی با سرعت غیرمجاز سخن می‌گوید، بیاموزد (رایتسمن، ۱۹۹۸: ۱۲۰). نظریه هم‌نشینی و پیوند ادوین ساترلند یکی از شاخص‌ترین و بهترین نظریات در تبیین کج رفتاری نوجوانان و جوانان می‌باشد. به نظر ادوین ساترلند هم‌نشینی با افرادی که کج روی می‌باشند و استمرار این رابطه هم‌نشینی عامل مهم در تمایل افراد به نزاع و درگیری دارد.

نقطه شروع در نظریه فشار این تصور است که جرم اصولاً پدیده‌ای اجتماعی است این نکته بدین معناست که این نظریه بر نوعی فهم جامعه‌شناختی از رفتارهای فردی و گروهی استوار است. یعنی فهمی که عملی خاص مانند جرم را به نوعی با فرایندها و ساختارهای اجتماعی مرتبط می‌بیند و بر آن است که این فرایندها و ساختارها آن عمل را شکل می‌دهد (وایت و هینز^۲، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

1. Sutherland

2. White and Heinz

نظریه محرومین نسبی بیان می‌دارد، افرادی که در نواحی نامناسب شهری که فاقد بهداشت، لباس مناسب و پناهگاه مناسب و کافی هستند (محرومیت از منابع) و در عین حال در مجاورت افرادی هستند که از بالاترین امتیازات اجتماع برخوردارند به ناچار به جرمی نظیر قتل، سرقت و تجاوز روی می‌آورند. ممکن است که حتی ثروتمندترین مردم آمریکا نیز چنان چه در دستیابی به اهداف نامحدودشان با ناکامی روبه‌رو شوند دچار نوعی فشار و دلسردی گردند. این بدان معناست که افراد بدون توجه به سطح زندگی و رفاهشان در صورتی دچار ناامیدی و فشار ناشی از زندگی می‌شوند که اهداف در نظر گرفته شده برای خود را بسیار غیر قابل دسترس بدانند. ثروتمندان و طبقه مرفه جامعه نیز هنگامی که استانداردهای زندگی یا امنیت مالی مورد توقع آنان دچار کاهش شود، دچار ناراحتی و دلسردی می‌شوند. برخی از افراد ثروتمند نیز ممکن است در مقایسه با افراد از نظر اجتماعی موفق‌تر به نوعی احساس محرومیت نمایند. از این رو، افراد ممکن است برای ارضاء و دست‌یابی به اهداف غیرواقعی خود به روش‌های غیرقانونی دست بزنند (سیگل^۱، ۲۰۰۷: ۳۴۲).

چارچوب نظری تحقیق

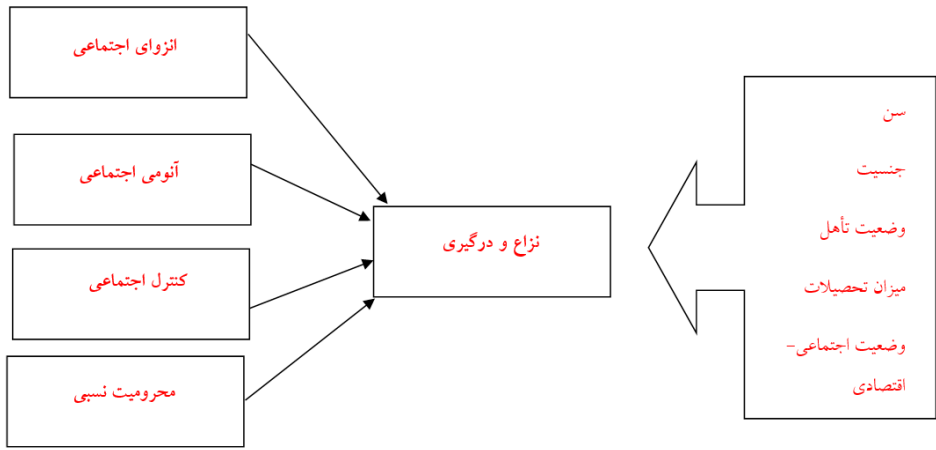
چارچوب نظری این تحقیق نوعی چارچوب نظری ترکیبی است. برای این اساس چارچوب نظری تحقیق حاضر با تاکید بر نظریه‌های «آنومی»، «کنترل اجتماعی» و نظریه «محرومیت نسبی» می‌باشد. نظریه عدم وفاق «دورکیم» در مورد هنجارهای اجتماعی، عدم یگانگی و یا همبستگی (انسجام) را عامل بروز انحراف می‌داند و در واقع انحراف، پاسخ و واکنشی به لجام گسیختگی اجتماعی است و هر قدر میزان بی‌هنجاری و عدم وفاق در مورد هنجارها بیشتر شود انحراف و کج روی نیز افزایش می‌یابد همچنین از نظر «دورکیم»، فروپاشی «وجدان جمعی» یا تضعیف آن، یعنی تضعیف یا فروپاشی نظام فرهنگ در جامعه سنتی که عامل پیدایش عدم تعادل و بی‌نظمی بوده و باعث نابودی همبستگی اجتماعی می‌گردد؛ ولی پیدایش عدم تعادل ساختی و بی‌نظمی و بی‌ثباتی در جامعه مدرن (پیشرفته)، معلول فقدان تقسیم کار نرمال می‌باشد. از جمله نظریه‌های دیگری که در چارچوب نظری استفاده نموده ایم، نظریه کنترل

1. Siegel

می باشد و این نظریه انحراف را نتیجه نارسایی کنترل اجتماعی می داند. این نظریه با این پرسش آغاز می کند که چرا در ابتدا مردم هم نوا می شوند؟ طرفداران این نظریه چنین پیشنهاد می کنند که باید به انحراف و نه هم نوایی توجه داشت زیرا زندگی روی هم رفته پر از وسوسه و فریب است و برخی از اعمال انحرافی کاملاً سودمندند. مردم فقط به این دلیل هم نوایی می کنند که جامعه قادر است رفتار آنان را کنترل نماید و اگر چنین کنترلی نبود، ممکن بود هم نوایی کمی وجود داشته باشد فرض اصلی این نظریه این است که همچنان که فروید گفته افراد به طور طبیعی تمایل به کج رفتاری دارند و اگر تحت کنترل قرار نگیرند، چنین می کنند و کج رفتاری افراد بیش از آن که ناشی از نیروهای محرک به سوی نابهنجاری باشد محصول عدم ممانعت است. نظریه محرومیت نسبی هم از جمله نظریه های دیگری بوده است که در چارچوب نظری مورد استفاده قرار داده ایم. بر طبق این نظریه، افراد طبقات پایین ممکن است هنگام مقایسه شرایط زندگی خود با افراد ثروتمند، احساس محرومیت نمایند. این احساس محرومیت منجر به احساس بی عدالتی و نارضایتی گردیده و عدم اعتماد را در آن ها پرورش می دهد. در نتیجه شانس پیشرفت آن ها از طریق معیارهای مشروع مسدود می گردد و احساس ناتوانی را به وجود می آورد که دشمنی و پرخاش گری و سرانجام خشونت و جرم را به دنبال خواهد داشت.

مدل تحلیلی تحقیق

با در نظر گرفتن نظری های مطرح شده و پیشینه تحقیقات انجام شده حول محور بزه نزاع و درگیری، مدل تحلیلی در نمودار زیر تنظیم گردیده است. نزاع و درگیری به عنوان متغیر وابسته تحقیق است. متغیرهای مستقل تحقیق که از پیشینه نظری مرتبط با موضوع تحقیق استخراج گردیده و بر متغیر وابسته تأثیرگذار هستند نیز شامل متغیرهای زمینه ای مرتبط و انزوای اجتماعی، آنومی اجتماعی، کنترل اجتماعی و محرومیت نسبی هستند.



شکل ۱: مدل تحلیلی تحقیق

فرضیه های تحقیق

با توجه به مطالب ذکر شده در بخش چارچوب نظری و پیشینه تحقیق، می توان فرضیات زیر را مطرح نمود:

- بین متغیرهای زمینه ای و نزاع و درگیری بین فردی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین انزوای اجتماعی و نزاع و درگیری بین فردی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین کنترل اجتماعی و نزاع و درگیری بین فردی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین آنومی اجتماعی و نزاع و درگیری بین فردی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین محرومیت نسبی و نزاع و درگیری بین فردی رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این مطالعه از نوع مطالعه پیمایشی^۱ بوده و برای جمع آوری داده های تحقیق از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری مقاله حاضر برابر با کلیه افراد بالای ۱۵ سال شهر ملارد می باشد. شهرستان ملارد یکی از ۱۵ شهرستان استان تهران است که در غرب استان تهران واقع شده و با مساحت ۹۶۰ کیلومترمربع از غرب با شهرستان اشتهارد از شمال با شهرستان کرج از توابع استان البرز و از شرق با شهرستان شهریار و از سمت جنوب با شهرستان ساوه از توابع استان مرکزی مرز مشترک دارد. با توجه با اینکه تعداد افراد ۱۵ سال کاملاً تفکیک

1. Survey research

شده وجود نداشت از فرمول کوکران که برای جامعه نامعلوم هست استفاده نموده ایم. که این فرمول عبارت است از:

$$(p) \leftarrow \text{معادل احتمال وجود صفت که } 0.50\%$$

$$(q) \leftarrow \text{معادل احتمال عدم وجود صفت که } 0.50\%$$

(z) اندازه استاندارد سطح قابل بررسی که اکثراً در سطح ۹۵ درصد که مقدار

z برابر ۱,۹۶ می باشد

(d) معادل احتمال خطا که ۰,۰۵٪ در نظر گرفته شده است.

$$n = \frac{pqz^2}{d^2}$$

پس

$$\frac{(1.96)^2 0.5 * 0.5}{(0.05)^2} = 386$$

لذا حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۸۶ نفر تعیین شد و برای اطمینان بیش تر پرسشنامه ها بین ۴۰۰ نفر به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای توزیع شد که به نوعی حجم نمونه تحقیق برابر با ۴۰۰ بوده است. داده های پژوهش با استفاده از نرم افزار spss نسخه ۲۱ پردازش، توصیف و تحلیل شدند. به منظور سنجش پایایی پرسشنامه برای تعیین قدرت تبیین کنندگی گویه ها از الفای کرونباخ استفاده شده است و همه شاخص ها از الفای بالایی برخوردار هستند.

جدول شماره ۱: نتایج روایی شاخص های متغیرها (n=۴۰۰)

ردیف	شاخص	تعداد گویه	ضریب روایی (آلفا)
۱	نزاع و درگیری فردی	۵	۰/۸۱
۲	آنومی اجتماعی	۷	۰/۷۹
۳	کنترل اجتماعی	۶	۰/۷۰
۴	انزوای اجتماعی	۶	۰/۷۹
۵	محرومیت اجتماعی	۸	۰/۸۰

یافته های تحقیق

نتایج آمار توصیفی این تحقیق نشان داد که تعداد پاسخگویان برابر با ۴۰۰ نفر و میانگین سن آن‌ها برابر با ۳۲/۱۲ سال است. از بین تعداد ۴۰۰ پاسخگو، ۲۲۵ نفر مرد و ۱۷۳ نفر زن می‌باشند. ۳۴/۶ درصد پاسخگویان مجرد و ۶۴/۹ درصد متأهل‌اند. از کل پاسخگویان حدود ۰/۹ درصد بی‌سوا n بوده‌اند که کمترین فراوانی با تعداد ۳ نفر را به خود اختصاص داده است و بیشترین فراوانی مربوط به افراد دارای تحصیلات دیپلم است که معادل ۳۲/۳ درصد می‌باشد. ۱۲/۹ درصد از پاسخگویان درآمد خود را کمتر از ۵۰۰ هزار تومان، ۳۴/۹ درصد از پاسخگویان درآمد خود را بین ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون تومان، ۱۵/۴ درصد از پاسخگویان درآمد خود را بین ۱ تا ۱,۵ میلیون تومان، ۱۸/۳ درصد از پاسخگویان درآمد خود را بین ۱,۵ میلیون تا ۲ میلیون تومان و ۸ درصد درآمدشان را بیشتر از ۲ میلیون تومان اعلام کرده‌اند.

بررسی نتایج آمار توصیفی متغیر انزوای اجتماعی نیز نشان می‌دهد که ۴۱/۶ درصد از پاسخگویان به مقدار زیادی اعلام کرده‌اند که احساس می‌کنند به هیچ چیز تعلق ندارند. ۴۹/۹ درصد نیز معتقدند که به مقدار زیادی دلخوشی چندانی در زندگی ندارند. ۳۶/۲ درصد از آنها اعلام کرده‌اند که به مقدار زیادی به وسیله دوستانشان به فراموشی سپرده شده‌اند و ۳۷/۲ درصد نیز برعکس معتقدند که به مقدار کمی دوستانشان فراموششان کرده‌اند. ۴۱/۰ درصد اعلام کرده‌اند که بسیار زیاد طی هفته گذشته احساس تنهایی شدیدی داشته‌اند. ۵۵/۴ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که بسیار زیاد این احساس را دارند که هیچ کس به آن‌ها احتیاجی ندارد. هم‌چنین نتایج آمار توصیفی متغیر کنترل اجتماعی نشان می‌دهد که ۴۴ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که اعضای خانواده‌شان به مقدار زیادی در مورد نوع و نحوه رفتار شما حساسیت دارند. ۳۸/۹ درصد نیز اعلام کرده‌اند که دوستان و آشنایان، خویشاوندان به مقدار بسیار کمی درباره درست رفتار کردن تأکید می‌کنند. ۳۲/۹ درصد نیز اعلام کرده‌اند که دوستان و آشنایان، خویشاوندان به مقدار بسیار زیادی درباره درست رفتار کردن تأکید می‌کنند. بررسی نتایج آمار توصیفی متغیر محرومیت نسبی نیز نشان می‌دهد که ۳۵/۸ درصد از پاسخگویان اظهار رضایت خیلی کم و

کمتری از شرایط فعلی خود را دارند و ۳۲/۶ درصد تاحدودی اظهار رضایت کرده‌اند. ۴۴ درصد اظهار کرده‌اند که به مقدار خیلی کمی به آنچه که لحاظ مادی حقشان بوده، رسیده‌اند و ۳۰/۳ درصد اعلام کرده‌اند که به لحاظ مادی تاحدودی به حقشان رسیده‌اند. ۲۹/۷ اعلام کرده‌اند که تاحدودی احساس کرده‌اند نمی‌توانند آن چیزی را که می‌خواهند به دست آورند و ۳۹/۷ درصد به مقدار خیلی زیادی این احساس را داشته‌اند که نمی‌توانند آن چیزی را که می‌خواهند به دست آورند.

متغیر وابسته تحقیق حاضر نزاع بین فردی بود که نتایج آمار توصیفی متغیر وابسته نشان می‌دهد که ۳۴/۱ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که تاحدودی شاهد بگو و مگوی افراد بر سر مسائل جزئی بوده‌اند و ۳۶/۷ درصد عنوان کرده‌اند که به مقدار زیادی شاهد بگو و مگوی افراد بر سر مسائل جزئی بوده‌اند. ۴۶/۱ درصد از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که به مقدار زیادی در بین خویشاوندان یا اهالی محله یا حتی در خیابان شاهد درگیری بوده‌اند. ۳۵/۲ درصد از پاسخگویان به مقدار کمی به اختلاف‌های سیاسی یا جناحی بین خویشاوندان یا اهالی محله اشاره کرده‌اند. همان‌گونه که نتایج این متغیر نشان می‌دهد بیشتر مردم شاهد درگیری بسیاری بین خویشاوندان و حتی درگیری در خیابان بوده‌اند.

فرضیه ۱: بین متغیرهای زمینه‌ای و نزاع بین فردی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲: نتایج تحلیلی روابط بین متغیرهای زمینه‌ای و نزاع بین فردی

متغیرهای زمینه‌ای	نزاع بین فردی		سطح معناداری	رد فرضیه	تائید فرضیه
	R پیرسون	سن			
سن	R پیرسون	۰/۳۱۲	*		
جنس	آزمون t	۰/۰۰۰	*		
وضعیت تأهل	آزمون f	۰/۱۷۱	*		
میزان تحصیلات	R پیرسون	۰/۱۸۱	*		
وضعیت اجتماعی-اقتصادی	R پیرسون	۰/۰۰۱	*		

همان‌گونه که در جدول (۲) دیده می‌شود رابطه معناداری میان تحصیلات

و سن و وضعیت تأهل با متغیر نزاع بین فردی وجود ندارد. اما رابطه معناداری میان جنسیت و پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نزاع بین فردی وجود دارد. یعنی اینکه فقط از بین متغیرهای فردی و زمینه‌ای تحقیق، دو متغیر جنسیت و پایگاه اجتماعی - اقتصادی رابطه معناداری با نزاع بین فردی دارند.

فرضیه ۲: بین انزوای اجتماعی و نزاع بین فردی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۳: نتایج روابط بین انزوای اجتماعی زمینه‌ای و نزاع بین فردی

انزوای اجتماعی			متغیر مستقل
تعداد	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر وابسته
۳۵۹	۰/۰۰۰	۰/۲۴۳	نزاع بین فردی

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول (۳) بین انزوای اجتماعی و نزاع بین فردی رابطه معناداری مشاهده می‌شود. ضریب همبستگی به دست آمده بین دو متغیر معادل ۰/۲۴۳ می‌باشد که نشان دهنده وجود رابطه معنادار بین دو متغیر یاد شده می‌باشد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده این فرضیه در سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر، هر چه انزوای اجتماعی افزایش یابد، میزان نزاع و درگیری فردی نیز افزایش می‌یابد. لذا فرضیه فوق که مدعی است بین انزوای اجتماعی و نزاع و درگیری اجتماعی رابطه وجود دارد تأیید می‌شود.

فرضیه ۳: بین کنترل اجتماعی و نزاع بین فردی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴: نتایج روابط بین کنترل اجتماعی و نزاع بین فردی

کنترل اجتماعی			متغیر مستقل
تعداد	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر وابسته
۳۶۵	۰/۲۱۳	۰/۰۷	نزاع بین فردی

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول (۴) بین کنترل اجتماعی و نزاع بین فردی رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود. یعنی اینکه بین میزان کنترل اجتماعی و نزاع بین فردی هیچ نوع رابطه معناداری وجود ندارد.



فرضیه ۴: بین آنومی اجتماعی و نزاع بین فردی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵: نتایج روابط بین آنومی اجتماعی و نزاع بین فردی

آنومی اجتماعی			متغیر مستقل
تعداد	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر وابسته
۳۶۵	۰/۰۱۴	۰/۱۲۴	نزاع بین فردی

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول (۵)، بین آنومی اجتماعی و نزاع بین فردی رابطه مثبت و معناداری مشاهده می شود. ضریب همبستگی به دست آمده بین دو متغیر معادل ۰/۱۲۴ می باشد که نشان دهنده وجود رابطه معنادار بین دو متغیر یاد شده می باشد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده این فرضیه در سطح معناداری ۰/۰۱۴ تأیید می گردد. به عبارت دیگر، هر چه آنومی افزایش یابد، میزان نزاع بین فردی نیز افزایش می یابد.

فرضیه ۵: بین محرومیت نسبی و نزاع بین فردی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶: نتایج روابط بین محرومیت نسبی و نزاع بین فردی

محرومیت نسبی			متغیر مستقل
تعداد	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر وابسته
۳۶۳	۰/۰۰۱	۰/۱۸۱	نزاع بین فردی

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول (۶) بین محرومیت نسبی و نزاع بین فردی، رابطه معناداری مشاهده می شود. ضریب همبستگی به دست آمده بین دو متغیر معادل ۰/۱۸۱ می باشد که نشان دهنده وجود رابطه معنادار بین دو متغیر یاد شده می باشد. با توجه به سطح معناداری به دست آمده این فرضیه در سطح معناداری ۰/۰۰۱ تأیید می گردد. به عبارت دیگر، هر چه محرومیت افزایش یابد، میزان نزاع و درگیری فردی نیز افزایش می یابد. لذا فرضیه فوق که مدعی است بین انزوای اجتماعی و نزاع و درگیری اجتماعی رابطه وجود دارد تأیید می شود.

تحلیل رگرسیون چند متغیره

تحلیل رگرسیون چند متغیری روش تحلیل نیرومندی است که در انواع مسائل می توان از آن استفاده کرد و در تحقیقات جامعه شناسی، روان شناسی، اقتصادی

و ... کاربرد دارد. از آن در متغیرهای پیوسته و متغیرهای طبقه‌ای استفاده می‌شود و آن را می‌توان با دو متغیر مستقل، سه متغیر مستقل و یا بیشتر استفاده کرد. علاوه بر این، تحلیل رگرسیون چندمنغیره زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که بیش از یک متغیر مستقل وجود داشته باشد. تحلیل رگرسیون دو کارکرد دارد: ۱- کارکرد پیش بینی ۲- کارکرد تبیین. کارکرد پیش بینی از طریق معادله رگرسیون و کارکرد تبیین از طریق ضریب تعیین انجام می‌شود. در رگرسیون چهار روش برای تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرهای مستقل وجود دارد؛ نخست، روش هم‌زمان^۱؛ دوم، روش گام به گام^۲؛ سوم، روش پس‌روند^۳ و چهارم، روش پیش‌رونده^۴ علی‌بابایی، ۱۳۸۳: ۱۵۹). در این پژوهش از روش هم‌زمان استفاده شده است.

همان‌طور که در جدول شماره (۷) مشاهده می‌کنید؛ R^2 معادل $0/280$ به دست آمد؛ یعنی ۲۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین شده است و شاخص SE متوسط مجموع مجذورات انحراف نمرات پیش‌بینی شده از نمرات یا ارزش‌های اولیه می‌باشد. این شاخص مقدار تغییرپذیری نقاط را در اطراف خط رگرسیون فراهم می‌سازد.

جدول شماره (۷): خلاصه مدل رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان

Sig	SE	F	R^2	R	مدل
۰/۰۳	۹/۴۲	۲۱/۸۸	۰/۲۸۰	۰/۴۵۹	متغیرهای مستقل

بحث و نتیجه‌گیری پژوهش

نزاع و درگیری مسائل بی‌شماری را روبه روی جامعه قرار می‌دهد. ترس، بی‌نظمی اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی افراد، صدمات بدنی و روحی، بی‌سامانی مدنی، افزایش حس سوء ظن و کاهش تعاملات اجتماعی، افزایش آسیب‌های اجتماعی و از همه مهم‌تر کاهش امنیت افراد جامعه از جمله مسائلی است که نشان‌دهنده تأثیرات مخرب بزه نزاع و درگیری است. پس نزاع و درگیری یکی از گونه‌های آسیب‌های اجتماعی است که وقتی در جامعه شیوع پیدا

1. Enter
2. Stepwise
3. Backward
4. Forward

می‌کند، آثار و عوارض گوناگون اجتماعی به ویژه برای آرامش و امنیت جامعه ایجاد می‌کند و به زودی از عرصه زندگی اجتماعی رخت بر نمی‌بندد و بلکه در ته نشست رفتار، افکار و اذهان منازعه‌کنندگان ماندگاری خود را حفظ می‌کند و در شرایط اجتماعی گوناگون و یا تصادم نسبتاً ضعیف نیز زنجیره همبستگی را سست کرده و مشکلات بعدی را با خود برای جامعه به بار می‌آورد. پیامدهای زیادی را می‌توان بری نزاع و درگیری شاهد بود که علاوه بر ایجاد فضایی آکنده از خشم و نفرت، تیره کردن روابط انسانی، امنیت و ... را هم از جنبه‌های مختلف تهدید می‌کند و به نوعی انسجام جامعه را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. تحقیق حاضر در همین راستا و با هدف بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر نزاع با تاکید بر عواملی مثل آنومی اجتماعی، انزوای اجتماعی، کنترل اجتماعی و محرومیت نسبی انجام شده است.

در تحلیل دو متغیره، بین متغیرهای آنومی اجتماعی، انزوای اجتماعی، محرومیت نسبی، جنسیت و وضعیت اجتماعی - اقتصادی با میزان نزاع بین فردی رابطه معناداری داشتند ولی متغیرهای مثل کنترل اجتماعی، سن، تحصیلات، وضعیت تأهل رابطه معناداری با نزاع بین فردی نداشتند. پس طبق نتایج تحقیق می‌توان گفت که از میان متغیرهای زمینه‌ای، فقط دو متغیر جنسیت و وضعیت اجتماعی - اقتصادی رابطه معناداری با میزان نزاع بین فردی داشتند که نتایج تحقیق حاضر با یافته‌های تحقیق میرفردی (۱۳۹۰)، کلواری و بحرینی (۱۳۸۹) و لی فرانس و همکاران (۲۰۰۷) مطابقت دارد.

از جمله فرضیه‌هایی که در تحقیق حاضر بدان پراخته شد، رابطه بین آنومی اجتماعی و انزوای اجتماعی با نزاع بین فردی بود که این فرضیه‌ها براساس تئوری آنومی اجتماعی دورکیم بودند. تئوری دورکیم عدم وفاق در مورد هنجارهای اجتماعی و عدم یگانگی و یا همبستگی (انسجام) را عامل بروز انحراف می‌داند و در واقع انحراف پاسخ و واکنشی به لجام گسیختگی اجتماعی است و هر قدر میزان بی‌هنجاری و عدم وفاق در مورد هنجارها بیش تر شود انحراف و کج‌روی نیز افزایش می‌یابد. نتایج تحقیق حاضر هم نشان دهنده همین موضوع بود. یعنی اینکه رابطه معنادار مثبتی بین آنومی اجتماعی و انزوای اجتماعی با میزان نزاع بین فردی وجود دارد و هر اندازه میزان آنومی اجتماعی و انزوای

فردی افزایش پیدا کند به همان نسبت میزان نزاع بین فردی هم افزایش پیدا می کند و بالعکس.

نظریه کنترل، انحراف را نتیجه نارسایی کنترل اجتماعی می داند و معتقدند که مردم فقط به این دلیل هم نوایی می کنند که جامعه قادر است رفتار آنان را کنترل نماید و اگر چنین کنترلی نبود، ممکن بود هم نوایی کمی وجود داشته باشد فرض اصلی این نظریه این است که افراد به طور طبیعی تمایل به کج رفتاری دارند و اگر تحت کنترل قرار نگیرند، چنین می کنند و کج رفتاری افراد بیش از آن که ناشی از نیروهای محرک به سوی نابهنجاری باشد محصول عدم ممانعت است. نتایج تحقیق حاضر این فرض نظریه کنترل اجتماعی را مورد تأیید قرار نداد یعنی اینکه براساس یافته های تحقیق حاضر می توان به این نتیجه رسید که رابطه معناداری بین کنترل اجتماعی و نزاع بین فردی وجود ندارد.

از جمله فرضیه های دیگر تحقیق حاضر که مورد تأیید هم قرار گرفت رابطه بین محرومیت نسبی و نزاع بین فردی بود که این فرضیه متکی بر نظریه محرومیت نسبی بود. براساس نظریه محرومیت نسبی، افراد طبقات پایین ممکن است هنگام مقایسه شرایط زندگی خود با افراد ثروتمند، احساس محرومیت نمایند. این احساس محرومیت منجر به احساس بی عدالتی و نارضایتی گردیده و عدم اعتماد را در آن ها پرورش می دهد. در نتیجه شانس پیشرفت آن ها از طریق معیارهای مشروع مسدود می گردد و احساس ناتوانی را به وجود می آورد که دشمنی و پرخاش گری و سرانجام خشونت و جرم را به دنبال خواهد داشت. نتایج تحقیق حاضر هم گویای همین موضوع است یعنی اینکه رابطه معنادار مثبتی بین محرومیت نسبی و نزاع بین فردی وجود دارد و براساس این می توان گفت که هر اندازه میزان محرومیت نسبی در جامعه افزایش پیدا کنند، میزان نزاع هم افزایش پیدا می کند.

پیشنهادهای کاربردی

■ با توجه به معنادار بودن متغیر پایگاه اجتماعی و اقتصادی با گرایش به نزاع بین فردی پیشنهاد می گردد تلاش کافی در راستای توزیع عادلانه شاخص های پایگاه اجتماعی - اقتصادی و کاهش فاصله طبقاتی، شاخص های توسعه اجتماعی و انسانی در جامعه صورت پذیرد تا متعاقباً فقر نیز در جامعه

کاهش پیدا کند.

■ محرومیت نسبی، عامل مخرب و خطرناکی است که تأثیر خود را در تمام زمینه‌ها و ابعاد حیات جمعی گذاشته است. رسانه‌های جمعی و به خصوص رسانه ملی می‌تواند تأثیر زیادی در تقویت احساس محرومیت نسبی داشته و برای متوقف کردن سیر صعودی نیازهای کاذب و صادق و کاهش احساس محرومیت نسبی که بیشتر ناشی از القای نیازهای کاذب است بازنگری در برنامه‌های صدا و سیما ملی و استانی می‌تواند تاثیرگذاری مثبت را داشته باشد.

■ با توجه به معنادار بودن رابطه بین انومی اجتماعی و نزاع بین فردی پیشنهاد می‌شود قوه قضائیه، نیروی انتظامی و سایر نهادهای ذی‌ربط در زمینه پیش‌گیری اجتماعی و وضعی، برقراری ارتباط سازنده و توجه به نیازهای افراد و رفع احتیاج‌های آن‌ها تمام همت خود را به کار گیرد.

■ با توجه به معنادار بودن رابطه بین انزوای اجتماعی و نزاع بین فردی پیشنهاد می‌شود راهکارهای مناسبی از جمله تهیه برنامه‌های آموزشی مناسب توسط سازمان صدا و سیما، وزات آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزرات کشور بر کاهش سیر صعودی انزوای اجتماعی در نظر گرفته شود.

پیشنهاد‌های پژوهشی

■ با توجه به فراوانی نزاع و درگیری بین فردی در کشور، تحقیق مذکور در سایر شهرستان‌ها نیز اجرا و رابطه آن با علل و عوامل اجتماعی و روانی مورد بررسی قرار گیرد.

■ پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های بعدی در خصوص سهم سازمان‌های دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه بزه نزاع و درگیری و نیز میزان تلاش آن‌ها در پیش‌گیری از این نوع جرم توسط محققان مورد مطالعه قرار گیرد.

■ انجام تحقیقاتی باهمین موضوعات با استفاده از روش کیفی و تجربه زیسته کنشگران و مشارکت کنندگان

منابع

- پورافکاری، نصرالله. (۱۳۸۳). «نزاع‌های جمعی محلی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- تری یان‌دیس، هری. (۱۳۸۸)، «فرهنگ و رفتار سازمانی»، ترجمه نصرت فنی، تهران: نشر رسانش.
- جاوید. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری فردی در استان گلستان»، دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی استان گلستان.
- خراط‌ها، سعید و جاوید، نورمحمد. (۱۳۸۵). «بررسی علل و عوامل جامعه‌شناختی بروز نزاع و درگیری و پیامدهای آن در شهر تهران»، فصلنامه مطالعات و امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره ۶ و ۷، معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا.
- خیال پرستان، یعقوب. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری‌های محلی در میان روستائینان شهرستان دنا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی دهقان.
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۷). «درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کاردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی»، ترجمه حسین بهروان، چاپ سوم، مشهد: انتشارات آستان قدس وضوی.
- رابرتسون، یان. (۱۳۸۹). «روان‌شناسی اجتماعی»، ترجمه کاردان، تهران: انتشارات مدرسه.
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد. (۱۳۸۶). «جامعه‌شناسی کج‌روی»، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۳). «آسیب‌شناسی اجتماعی»، تهران: انتشارات سمت.
- فیضی، ایرج؛ علی بابایی، یحیی و رحمت، محمد مهدی. (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر خانواده، دوستان و محله بر مصرف مواد مخدر»، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال ۱، شماره ۴: ۱۵۰-۱۳۱.
- قاسمی، وحید. (۱۳۸۰). «گونه‌شناسی و تبیین فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹»، رساله دکتری در رشته جامعه‌

شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

- کلواری، نورالله و بحرینی، مجید. (۱۳۸۹). «مطالعه رابطه عوامل فرهنگی - اجتماعی با نزاع‌های دسته جمعی، قومی و قبیله‌ای در شهرستان لردگان»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۲.
- گروسی، سعیده و محمدی دولت آبادی، خدیجه. (۱۳۹۰). «تبیین تجربه زیستی زنان وابسته به مواد مخدر از پدیده‌ی اعتیاد»، فصلنامه زن و جامعه، سال دوم، شماره ۱.
- منتظر قائم، مهدی؛ کریمی، جلیل. (۱۳۸۶). «ضرب و جرح در ایران، نگاهی به آسیب‌های اجتماعی در ایران»، بی‌جا.
- مسعودی، عباس و همکاران (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر حاشیه نشینی بر وقوع جرایم نزاع و درگیری، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال ششم، شماره ۱.
- میرفردی، اصغر و همکاران. (۱۳۹۰). «میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۵.
- نایی، هوشنگ و جسورخواجه، تقی. (۱۳۸۸). «ریشه‌یابی نزاع‌های دسته جمعی (روستاهای کویچ و افشرد آذربایجان شرقی)»، مجله توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۱.
- نظری، جواد و امینی فسخودی، عباس. (۱۳۸۵). «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی»، در مناطق روستایی استان ایلام، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۵۴.
- نظری، جواد. (۱۳۸۶). «تبیین جامعه‌شناختی میزان گرایش به نزاع جمعی در استان ایلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- هاشمی، سید ضیاء. (۱۳۸۷). «بررسی ابعاد فرهنگی و اجتماعی نزاع»، مجموعه مقالات اولین همایش تأثیر نزاع بر امنیت اجتماعی، یا سوچ: دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد.
- وایت، راب؛ هینز، فیونا. (۱۳۸۵). «جرم و جرم‌شناسی»، ترجمه علی سلیمی، تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه.

● Bennetta, S. D., P. Farringtona, L. R. Huesmannb and A. Calvo.

- (2005). "Explaining gender differences in crime and violence: the importance of social cognitive skills", *Aggression and Violent Behavior*, Vol. 10, Issue. 3, pp.288– 263.
- Hirschi, Travis. (1969). "Causes of delinquency", Berkeley and Los Angeles, University of California Press.
 - Le Franc, E., M. Samms-Vaughan, I. Hambleton, K. Fox, D. Brown. (2007). "Interpersonal violence in three Caribbean countries: Barbados, Jamaica, and Trinidad and Tobago", *Rev Panama Salud Publica*. Vol. 24, No.6, pp. 421-409.
 - Siegel, Larry, J. (2007). "Criminology: Theories, Patterns and Typologies", Thomson Wadsworth, Canada.
 - Spaij R. (2006). "Aspects of Hooliganism Vs violence Amesterdaw School for Social Scince Research", pp.33-1.
 - Wrangham, Richard W. & Wilson, Michael L. (2004). "Collective Violence", *Annals New York Academy Of Sciences*, –233 :1036 256.
 - Wrightsman, L. S., M. T. Nietzel & W. H. Fortune. (1998). "Psychology and the Legal System", (4th Ed). U. S. A: Broks/Cole Publishing Company.